

OPEN ACCESS
*Corresponding author
Jihad Shukri Rashid
Jihad.rashid@su.edu.krd

رنالیسم جادویی در مثنوی مم و زین

جیهاد شکر رشید/ به‌شی فارسی، کولیژی زمان، زانکوی سه‌لاحه‌دین، هولیر، هریمی کوردستان، عیراق

RECEIVED :28 /10/2025
ACCEPTED :29/04/ 2025
PUBLISHED :15/04/ 2026

پوخته

مثنوی مم و زین از جمله داستان‌هایی است که مشمول مشخصه‌های رنالیسم جادویی است که حوادث شگفت در این داستان به وقوع پیوسته است و تمامی حوادث غیر واقع و خیالی در بستر داستان، کاملاً حقیقی و طبیعی جلوه می‌کنند؛ به گونه‌ای که خواننده به سادگی می‌پذیرد. هدف از این پژوهش، بازخوانی جایگاه رنالیسم جادویی در مثنوی مم و زین است. از این جهت در این پژوهش سعی شده است تا با روش توصیفی-تحلیلی مهم‌ترین مؤلفه‌های رنالیسم جادویی در مثنوی مم و زین بررسی شود تا از این طریق نشان داده شود احمد خانی چگونه با فراخوان این مشخصه‌های فراواقعی و خارق‌عادت، در حکایتی با زمینه کاملاً رئالیستی، خوانشی بدیع از اندیشه‌های انتزاعی در پوششی عینی و ملموس بیان کرده است و نتایج حاصل آمده از این پژوهش حاکی از آن است که در مثنوی مم و زین به اشکال گوناگونی مؤلفه‌های رنالیسم جادویی نمود یافته است که این مؤلفه‌ها را می‌توان در قالب دو گانگی و تقابل جهان خیالی و واقعی واکاوی کرد.

وشه سهره‌کیه‌کان:

رنالیسم جادویی
احمد خانی
مم و زین
خیال
واقعیت.



About the Journal

Zanco Journal of Humanity Sciences (ZJHS) is an international, multi-disciplinary, peer-reviewed, double-blind and open-access journal that enhances research in all fields of basic and applied sciences through the publication of high-quality articles that describe significant and novel works; and advance knowledge in a diversity of scientific fields. <https://zancojournal.su.edu.krd/index.php/JAHS/about>

۱- مقدمه

رنالیسم جادویی توازنی دقیق میان دو عنصر واقعی و خیالی برای نقل حکایات می باشد که ارتباطی تنگاتنگ با اسطوره دارد و البته این شیوه تنها منحصر به آمریکای لاتین نیست. زیرا آنها با عناصری برگرفته از فرهنگ و تاریخ خود، ادبیاتی آفریده اند که مؤثرتر از هر نوع ادبیات واقع گرا، بیانگر واقعیت فرهنگ و تاریخ آمریکای لاتین است. ارتباط رنالیسم جادویی با افسانه، اسطوره و باورها و اعتقادات بومی که ریشه در امور فراطبیعی و فراواقعی دارد، نگارنده را برآن داشت تا ریشه‌هایی از آن را در روایت فولکلور «مم و زین» و به تبع آن در هنر و ادبیات کوردی که با این گونه مفاهیم بسیار مانوس است، ردیابی کنیم. در ادبیات کوردی نیز نویسندگان با استفاده از عناصری برگرفته از فرهنگ خود، به توصیف واقعیت فرهنگ خویش پرداخته‌اند. از این شیوه بیان در مثنوی «مم و زین» نیز استفاده شده با این تفاوت که در ادبیات آمریکای لاتین، آنچه دستمایه نویسنده برای خلق جادوست ادراک و مشاهدات و اعتقادات و تجارب مردم است. اما در مثنوی مم و زین به حکم ساختار عرفانی بودن آن، آنچه دستمایه نویسنده برای خلق جادوست ادراک و مشاهدات و اعتقادات و تجارب عرفا و اولیاء است که در این راستا احمد خانی شخصیت اصلی داستانش را به مرتبه عرفا و اولیاءالله ارتقا می‌دهد تا بتواند رازها را ابراز نماید. این رازها، حقایق یا نشانه‌هایی از جهان دیگر و به عبارتی ساده‌تر، جهان ورای عقل و جهان غیب است که به طور کلی جاذبه یا جادوی ادب عرفان نیز مرهون همین شیوه بیان است.

۱-۱- فرضیه‌های پژوهش

- مم و زین روایتی است که واقعیت و خیال بر هم گره می‌خورد اما به گونه‌ای که واقعیت بر خیال مسلط است، نه خیال بر واقعیت.
- جنبه‌هایی از رنالیسم جادویی در روایت مم و زین انعکاس یافته است که توصیف واقعیت بارها و بارها از مرز آنچه عموماً واقعیت می‌پنداریم فراتر می‌رود. وقایعی که فقط به کمک رنالیسم جادویی می‌توان منطق آنها را توصیف و توجیه کرد کم نیستند.
- به دلیل پیوند رنالیسم جادویی با افسانه‌ها، اسطوره‌ها، قصه‌های بومی و باورهای فراطبیعی از یک سو، و بهره مثنوی مم و زین از این مفاهیم از سوی دیگر، می‌توان بن‌مایه‌هایی از اصول مکتب رنالیسم جادویی را در مثنوی مم و زین یافت.

۱-۲- طرح بیان مساله

روایت «مم و زین» را می‌توان از دیدگاه رنالیسم جادویی قرائت و تحلیل کرد و قدرت این روایت فقط در زبان آن نیست بلکه در اندیشه‌ی بنیادین آن است و آن نوع نگرش خانی به واقعیت است که این داستان براساس تصویری گسترده از واقعیت نوشته شده نه تصویری محدود و صرفاً عقلانی. این داستان رازها و اسراری از جهان غیب را بر ما آشکار می‌سازد. بنابراین در این پژوهش تلاش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخ داد:

- مثنوی مم و زین بستر کدام ویژگی‌ها و نمودهای مکتب رنالیسم جادویی است؟
- تمایزات و تشابهات مؤلفه‌های رنالیسم جادویی در حماسه مم و زین با آثار معروف این سبک چیست؟
- وجود عناصر و نمودهای جادویی و خیالی به میزان باورپذیری وقایع و رخدادهای این اثر تا چه اندازه‌ای است؟

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

خانی مثنوی مم و زین را از جمله داستان‌هایی جلوه داده است که امکان واقعیت را نه تنها در توانایی نشان دادن دو عاشق پیشه، بلکه در خلق و ابداع آن می‌داند و همین نگاه ویژه نسبت به ادبیات واقع گرا، زمینه را برای ایجاد ریالیسم جادویی فراهم کرده است؛ زیرا ریالیسم جادویی بر شالوده‌ی ارائه واقعیت یا ارائه آنچه تصویری از واقعیت است، قرار گرفته است.

۴-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف با توجه به ماهیت آن در روایت مم و زین، از نوع تحقیق نظری است که بر پایه مطالعه کتابخانه ای انجام شده است و از دیدگاه روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است.

۵-۱- پیشینه پژوهش

درباره رئالیسم جادویی و ویژگی‌های آن تاکنون پژوهش‌های متعددی در ادبیات فارسی و کردی انجام شده است که به اهم آن پرداخته می‌شود: پورنامداریان، تقی؛ سیدان، مریم (۱۳۸۸)، بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعد، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال هفدهم، شماره ۶۴، صص ۶۴-۷۵. شیخ حسینی، سمیه؛ محمودی، محمدعلی (۱۳۹۵)، زمینه‌های مشترک گرایش به رئالیسم جادویی در جنوب ایران و جنوب آمریکا، زمینه‌های مشترک و علل گرایش نویسندگان دو منطقه به رئالیسم جادویی را روشن می‌کنند. نیکو بخت ناصر؛ رامین نیا، مریم (۱۳۸۴)، بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۸، صص ۱۳۹-۱۵۴. در این مقاله مبانی رئالیسم جادویی با توجه به دیدگاه منتقدان و صاحب نظران ادبی تعریف و تبیین شده و سپس رمان اهل غرق با توجه ویژگی‌ها و مشخصه‌های رئالیسم جادویی تحلیل گردیده است. وهیسی، هیوا؛ سه‌عیدی تبار، محمهد زاهد، ئەلماسی، عه‌تا (1394)، رئالیسم جادویی در رمان «آخرین انار دنیا» اثر بختیار علی، مجله پژوهشنامه ادبیات کوردی، سال اول شماره ۱، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱-۱۳۰. اما از جهت مطالعه رئالیسم جادویی در روایت مم و زین، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- رئالیسم جادویی

رئالیسم جادویی، یکی از مکتب‌های هنری معاصر است که از پیوند اسطوره با واقعیت به وجود آمده است و این مکتب به نوبه خود «یکی از شاخه‌های واقع‌گرایی (رئالیسم) در مکاتب ادبی است که در آن ساختارهای واقعیت دگرگون می‌شوند و دنیایی واقعی اما با روابط علت و معلولی خاص خود آفریده می‌شود. در داستان‌هایی که به سبک واقع‌گرایی جادویی نوشته شده‌اند، همه چیز عادی است اما عنصر جادویی و غیرطبیعی در آن‌ها وجود دارد» (هاترید، ۱۳۸۵: ۴۹۴) و «عناصر داستانی در نزد اغلب نویسندگان و رمان‌های رئالیستی و رئالیسم جادویی برگرفته از فرهنگ و روان‌شناسی مردمی است که در مرزهای واقعیت و رؤیا، در پی شناخت هویت خویش به جهان، نگرشی دیگر دارند» (کارپنتیر، ۱۹۶۴: ۶۸)

۲-۲- مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در مثنوی مم و زین

به کارگیری شیوه رئالیسم جادویی در روایت مم و زین اگر چه با الگوبرداری از داستان‌های خارجی صورت نگرفته است اما از آن جهت که متأثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی ملّت کورد است، دارای خصلت‌های بومی است. احمدخانی در عین واقع‌گرایی و واقع‌نمایی عنصر شگفت‌انگیز دنیای اسطوره و تخیل را به عقاید خاص مردم پیوند داده «پیوندی که وظیفه‌ی ادبیات را نسبت به حوادث دنیای واقعی و دنیای خیالی و اسطوره‌ای بازنمایی می‌کند» (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ۳۱۸) و اثری متفاوت با دنیای واقعیت یا تخیل محض می‌رساند. این دنیای جدید حاصل برخورد واقعیت‌های بیرونی و تخیلات درونی یا همان ساختار و کارگزار در ذهن نویسنده یا صاحب اثر است که در اصطلاح به آن رئالیسم جادویی می‌گویند.

۲-۲-۱- عناصر مربوط به مضمون و درونمایه

مؤلفه‌های داستان‌های رئالیسم جادویی از نظر مضمون و درونمایه عبارتند از: خیال و وهم، عقاید و باورهای شگفت

انگیز، رؤیاها، قصه‌ها، افسانه‌های پریان (پورنامداریان، ۱۳۸۸: ۶۴)، دهشت و توجیه ناپذیری برخی وقایع، غافل‌گیری و شوک ناگهانی و نمادپردازی (آتش سودا و توللی، ۱۳۸۹: ۴ و ۲۱) که به هریک از این موارد اشاره می‌شود:

۱-۲-۱- خیال یا وهم

یکی از عناصر مهم محتوایی در رئالیسم جادویی خیال و وهم است؛ "مم و زین" از یک زاویه همچون داستان‌هایی که با سبک رئالیسم جادویی نوشته می‌شوند، گاه در فضایی میان واقعیت و خیال روایت می‌شوند و همین نکته به برجستگی امر جادویی در آن کمک می‌کند. مضامین وهمی و غریب که جنبه‌های تمثیلی و رمز و رازگونه و نمادین (سمبلیک) نیز به خود می‌گیرد، در روایت "مم و زین" به خود می‌گیرد که این مضامین وهمی پیش از آن حدی است که در زندگی واقعی امکان و خودنمایی داشته باشد که دچار اختلال و آشفتگی می‌شود. فضای وهم آلود برای خواننده دنیایی فراتر از واقعیت می‌سازد که بدون دخالت راوی، مخاطب خواه ناخواه امور مافوق طبیعی را باور می‌کند. این فضای وهمی و خیالی در بخش‌هایی از داستان "مم و زین" دیده می‌شود: در روایت مم و زین دیالوگ‌هایی وجود دارد که سرشار از مسائل فراطبیعی و پدیده‌های خیالی و وهمی است که در حافظه تاریخی ما بیشتر در قصه‌ها و افسانه‌ها یافت می‌شود. چنانچه در داستان «مم و زین» نیز بارها به گفت و گو با عناصر و پدیده‌های طبیعی و حیوانات و موارد خاص... برمی‌خوریم که در آن‌ها شخصیت مورد نظر با مخاطبی خاموش اما شنوا حرف می‌زند و آن را مورد خطاب قرار می‌دهد:

مم با باد صبا:

شهرها غم می‌دل دگوته باین
 درگاهی به‌دهن ل بهر ته مه‌فتوح
 پاشی هره پیشی دلستان
 (م، ۲۰۰۸: ۱۴۳)

شرح غم دل می‌گفت با باد
 مفتوح به توست جسم و جانها
 آنگه ده سلام دلستان را
 (م، ۲۰۱۲: ۱۵۸)

که به‌حث دگر دگل صه‌باین
 که‌ی جیسمی له‌تیی شهبه‌تی روح
 نه‌ووهل تو بیوسه ئاستانی

گاهی که صبا می‌آمدش یاد
 کای جسم لطیف چون روانها
 اول تو بیوس آستان را

مم با رود:

بی صبر و سکونی عاشقانه
 یان شهبه‌تی من تو ژی جنونی
 (م، ۲۰۰۸: ۱۴۱)

بی صبر و سکون عاشقانه
 گویی که تو همدم جنونی
 (م، ۲۰۱۲: ۱۵۶)

که‌ی شهبه‌تی نه‌شکی من ره‌وانه
 بی صبر و قهرار و بی سکونی

ای رود چو اشک من روانه
 بی‌صبر و قرار و بی‌سکونی

یا زین با شمع که در واقع در این داستان احمد خانی با به‌کارگیری تکنیک جریان سیال ذهن خوانندگان را در فضایی میان رؤیا و خیال قرار می‌دهد:

که‌ی هه‌مسهر و هومنشین و هه‌مراز

دهم شه‌معی دگر ژ بو‌خوه ده‌مساز

ئهو فهرقه ژ غه ریب تا ب شهرقه
مه غریب ئه ز و باطنی من ئاگر
(م، 2008: 136)

کای همسر و همنشین و همراز
آن فرق زغرب تا به شرق است
مغرب من و آتشم، قاهر
(م، 2012: 149)

دهردی من و ته ژ یهک ب فهرقه
مه شریق توویی ئاگری ته ظاهر

گه شمع بگرد بخویش دمساز
درد دل و درد شمع فرق است
مشرق تو و آتشت ظاهر

با این فضا سازی وهم آلود خواننده بی دخالت راوی و بی هیچ اصراری به باورپذیری، روایت را ادامه می دهد و آنچه از نظر مخاطب گاه وهمی به نظر می رسد جزو واقعیت های پذیرفته شده از سوی قهرمانان داستان است. و البته این وهم و رؤیایها که به صورت دیالوگ بین مم ویا زین با دیگر پدیده های طبیعت صورت می گیرد، کارکردهای درونی یافته اند و نوع نگرش شخصیت های داستان (مم و زین) برآمده از نوعی آگاهی و هوشیاری در ادراک معنای رویاهاست.

۲-۱-۲- عقاید و باورهای شگفت انگیز

احمد خانی گاه وقایع فراواقعی و ماورایی را به عنوان کرامات مم حکایت می کند که از نظر مخاطبی که با دید منطقی امروزی به رویدادها می نگرد، شگفت انگیز می نماید اما همین حکایات خیالی، برای عده ای شاید بسیار واقعی باشد. کسانی که با دید عرفانی به جهان می نگرند و علل و اسباب حوادث را نه منطقی، بلکه منشا آسمانی و فراواقعی می دانند. در این جا با نوعی از واقعیت روبه رو هستیم که برخی آن را تشدید می کنند و به عنوان واقعیت های جادویی از آن یاد می کنند. از این رو، اگر بنگریم ریالیسم جادویی، واقعیتی قابل لمس است و پشتوانه ای مشخص دارد (یورگنسن، ۲۰۰۵: ۱۵۳). البته در آثاری که به سبک رئالیسم جادویی نگارش یافته اند، همان گونه که از نام آن هویداست، واقعیت و فراواقعیت در کنار هم و در تلفیق با هم حضور دارند به گونه ای که تفکیک آن دو از هم بسیار مشکل است. همانطور که در این روایت دیده می شود زین از شنیدن حوادث فراطبیعی شگفت زده نمی شود و حتی تردیدی به دل راه نمی دهد بلکه آن حوادث را کاملاً قابل قبول می داند و در میان آن به بیان مفاهیم ویژه ی خویش می پردازد. زیرا خانی به کمک بن مایه ها و طریق سلوک عرفانی عشق، داستان خود را از سطح حوادثی عینی و واقعی به سطح حوادث روحانی و غیرنفسانی منتقل می کند و معنایی عرفانی (توحید وجودی) بدان می بخشد. اندیشه ی توحیدی خانی، مشاهده ی فاعل واحد و قطع تعلق از هر علت و سببی، بلکه نفی ماسوی الله و توکل بر حق تعالی است و در واقع جمع میان توحید فعلی و وصفی است؛ زمانی که زین بار اول می میرد و همه در آن شب تا سحر بر بالین او می گریند، در همان لحظه مم نیز در زندان در حالت مرگ و عالم برزخی میان مرگ و زندگی به سر می برد. زندانیان در این هنگام در زندان، شاهد رسیدن دو نور به هم هستند. این رخداد خود گواه متقنی برای وصال و یگانگی این دو دل داده در عالم روحانی است.

بشه و قهک ژ سه ریخ مه می ب ده رکه
یهک شبهه تی زیپر و یه کژی زیف بوو
دهر حال ب یه کفه موضمه حیل بوون
(م، ۲۰۰۸: ۲۱۵)

یک نور عجب به منبر آمد
چون سیم و طلای شاه بودند
در حال یکی شده جهیدند
(م، ۲۰۱۲: ۲۷۳)

به رقهک ب عه جهب مه می ب سه رکهت
یهک شبهه تی روژی ئیک هیف بوو
ئهو شه مس و قه مه ر کو موته صل بوون

نور دگری ز مم بر آمد
بر صورت مهر و ماه بودند
چون شمس و قمر بهم رسیدند

با این وجود شاعر داستان را از سطح حوادثی عینی و واقعی به سطح حوادث روحانی و غیرنفسانی منتقل می کند و

معنایی عرفانی بدان می‌بخشد. زین بار اول می‌میرد و همه در آن شب تا سحر بر بالین او می‌گریند؛ در همان لحظه «مم» نیز در زندان در حالت کما یا مرگ به سر می‌برد. زندانیان در حالت بیهوشی یا مرگ این دو عاشق و معشوق در زندان، شاهد رسیدن دو نور به هم بوده‌اند که این دو نور نشانگر وصال ارواح «مم و زین» در عالم روحانی و بیانگر عشقی حقیقی است. اما در ادامه داستان، هنگامی که صبح خبر مرگ مم را می‌آورند، زین به اراده خود دوباره زنده می‌شود و به زندان به قصد دیدار مم می‌رود و مم را هم دوباره زنده می‌کند؛ ولی مم می‌خواهد دوباره جان به افلاک برد؛ و به اراده خود دوباره جان می‌سپارد.

چه‌نگی د دلی خوه راوه‌شانندن
په‌روازکر و گه‌هیشته ذیل ععرش
(م، ۲۰۰۸: ۲۲۱)

بگشود در سرای آخر
پرواز بکرد و رفت تا عرش
(م، ۲۰۱۲: ۲۸۱)

ده‌ستی خوه ژ قه‌یدی گل کشانندن
شه‌هباز ژ قه‌یدی مه‌رکه‌زا فعرش

وقتی که بکرد دعای آخر
شه‌هباز ز قید مرکز فرش

با این تفسیر، داستان از عینیت و واقعیت تهی گردیده و مفهومی معنوی و روحانی، جایگزین آن می‌گردد. این مرگ روحانی تا حدود زیادی سرنوشت روح یا نفس ناطق انسانی را پس از هبوط از عالم مجرد و تعلق به عالم ملک و ماده و تن خاکی نشان می‌دهد که باز با مرگ اختیاری به سر منشأ و مبدأ خود باز می‌گردد. هنگام دفن مم در قبرستان شهر، زین هم می‌خواهد که در کنارش دفن شود؛ از خدا می‌خواهد که جانش را بستاند که این خواسته هم زود برآورده می‌شود. به دنبال آن رجعتی دیگرگونه را به آن جهان لاهوتی را تجربه می‌کند. البته خوانندگان این اثر بنا به اندیشه‌های خویش و باورهای که از گذشته در ناخودآگاه آن‌ها جریان دارد، مرز میان واقعیت و فراواقعیت را به صورتی شخصی تعیین می‌کنند. بنابراین ممکن است عنصری که برای خواننده‌ای، عینی و باورپذیر باشد، در ذهن خواننده‌ای دیگر، غیر قابل پذیرش و عنصری ماورایی جلوه کند. این از مواردی است که مثنوی مم و زین را که یک حالت عرفانی را به خود پوشش می‌دهد به آثار رئالیسم جادویی نزدیک می‌کند.

۳-۲-۱-۲- رؤیا، افسانه‌ها و قصه‌های پریان

به باور ایزابل آئنده رئالیسم جادویی «فضایی برای نیروهای نامرئی که جهان را می‌گردانند وجود دارد: رؤیاها، افسانه‌ها، اساطیر، احساسات، عشق و تاریخ. تمام این نیروها در جنبه‌های معنی‌گریز و غیر قابل توضیح رئالیسم جادویی جای دارند. این سبک مجالی است برای دیدن و نوشتن درباره تمام ابعاد واقعی» (فاریس، ۱۳۸۴: ۴۳). و از آنجایی که بنای داستان‌های سنتی، بر کردار و حوادث است، به همین دلیل یکی از راههای جذاب ساختن داستان، آوردن رویدادهای خارق‌العاده است که شبکه استدلالی قصه‌ها را سست می‌کند. در روایت «مم و زین»، پایان داستان برخلاف انتظار خواننده به طول می‌انجامد و نحوه اتمام داستان برخلاف انتظار خواننده و روال جاری داستان‌های عاشقانه با مرگی خارق‌العاده و فراواقعی به نهایت می‌رسد.

شایان عنایت است که در آثار عرفانی عناصر ماورایی و رویدادهای فرا طبیعی در درون ماجراهای واقعی و در زمینه‌ای رئالیستی وجود دارد و مخاطبان بر اساس باورهایی که در ذهن دارند، با عناصر و رویدادهای متون عرفانی روبه‌رو می‌شوند. بسیاری از رویدادهایی که در حماسه «مم و زین»، واقعیتی مسلم تلقی می‌شوند، از نظر خواننده‌ای با دید امروزی و منطقی، چیزی جز خیال‌پردازی نویسنده در نظر گرفته نمی‌شود. از سوی دیگر معتقدان به دیدگاه‌ها و شخصیت‌های عرفانی، به نسبت‌های گوناگون، برخی از روی‌دادها را فراواقعی و غیرقابل پذیرش می‌دانند و برخی

از آن‌ها را نمی‌پذیرند. تفاوت دیدگاه خوانندگان امروزی با نویسنده و مخاطبان روزگار نویسنده، باعث می‌شود که جنبه‌های جادویی و ماورایی این آثار، نمود بیشتری پیدا کند در صورتی که نویسندگان آنها مدعی هستند که آن چه بیان می‌کنند، عین واقعیت است و در آن هیچ تردیدی به دل راه نمی‌دهند. همانگونه که به نظر فلورس، رئالیسم جادویی در قلمرو ادبیات، شیوه‌ای است که در آن نویسنده بی‌آنکه تعجب یا حیرتی را برانگیزد، امور خیالی را همچون امور واقعی توصیف می‌کند (خزاعی‌فر، ۱۳۸۶: ۶). که در واقع خواب دیدن که خود تجربه‌ی رازآمیز دیگری است، مم را به جهانی اسرارآمیز می‌برد. «مم» برای درک پیام ضمیر ناخودآگاه سفری را در پیش می‌گیرد که نشانگر میل به تغییر درونی و نیاز به تجربه‌ای جدید است. سر آغاز این گونه سفرها تکانه‌ای روحی مانند رویایی شگفت است و در پایان سفر، شخصیت قهرمان به دلیل برخورد با کهن‌الگوها دگرگونی ژرفی را تجربه خواهد کرد. به گونه‌ای که «مم» در مسیر سفر خود از عالم ملک به عالم ملکوت؛

ئه و چگونه جیهانی جاویدانی
(م، ۱۹۶۲: ۱۵۹)

تا سوی جهان جـاودانی
(م، ۲۰۱۲: ۲۵۶)

وی حاکمی حاکم و فقه‌قیران
(م، ۱۹۶۲: ۱۷۰)

آن حاکم حاکم و فقیران
(م، ۲۰۱۲: ۲۸۰)

وان ترک کرن سه‌رایی فانی

رفتند از این سرای فانی

سرانجام به مرتبه دیدار خداوند نایل می‌شود:

ئه م چگونه حزوری میری میران

رفتم به حضور میر میران

از اینرو، ادغام و نزدیکی دو جهان جادویی و واقعی که از شاخصه‌های بارز و برجسته رئالیسم جادویی است، در مثنوی مم و زبن به روشنی دیده می‌شود. در این جهان، مم بی واسطه به حضور خداوند متعال می‌رود و یا رد و بدل کردن انگشتر به عنوان وسیله‌آشنایی و یا نماد قدرت یا پیوندی است که هیچ چیز نمی‌تواند آن را از هم بگسلد که در ادامه این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱-۲-دهشت و توجیه ناپذیری برخی وقایع

اگر چه روایت «مم و زین» بر اساس حوادث و زمان و مکان تاریخی مشخص بنا شده است اما دنیای عرفان و تصوف «دنیایی آرمانی و خیالی است که گاه بسیار ملموس و آشناست و گاه وصف ناشدنی می‌نماید» (احمدی، ۱۳۷۶: ۶-۷). اعماق خارق‌العاده‌ای که در طول این روایت روی می‌دهد برای انسان امروزی، به خیال و وهم شبیه است. خانی، این حوادث فراواقعی و ماورایی را چنان با رویدادهای واقعی و تاریخی تلفیق می‌کند که تفکیک کردن آن‌ها از هم غیر ممکن است. این درهم تنیدگی پدیده‌های داستانی و واقعی به حوادث خیالی و غیرواقعی یا حتی جادویی، این فرصت را می‌دهد که با منتسب کردن خودشان به آنها باورپذیر شوند. در داستان «مم و زین»، منطق طبیعی و منطق مابعدالطبیعی در هم آمیخته است. این از آن روست که هم قهرمانان داستان‌های «مم و زین» و هم کردارهایی که از آنان سر می‌زند دوگانه‌اند. همانگونه که در رئالیسم جادویی، عقل درهم شکسته می‌شود و رخدادها بر مبنای عقل و منطق به وقوع نمی‌پیوندند. در این آثار خرافات، امور تخیلی یا اسطوره‌ای، خواب و رؤیا، امور غیر منطقی و نیز لحن و زیان دست به دست می‌دهند تا موضوع از سیطره عقل و منطق خارج شود. البته بنای داستان‌های سنتی، بر کردار و حوادث است، به همین دلیل یکی از راه‌های جذاب ساختن داستان، آوردن رویدادهای خارق‌العاده است. نحوه مرگ این دو دل‌داده علاوه بر آن که رویکردی عرفانی دارد، ماهیتی باورنکردنی و خارق‌العاده را هم به این داستان بخشیده است. همچنانکه «دید رئالیسم جادویی در تقاطع دو جهان است. در نقطه تصویری در آینه‌ای دو طرفه که

تصاویر هر دو طرف را بازتاب می‌دهد. افراد و شخصیت‌ها بسیاری اوقات بین جهان و مرگ و زندگی قرار می‌گیرند و مرزی میان این دو جهان نمی‌بینند» (عبادی آسایش و غیبی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). البته با این وجود در ساختار رئالیسم جادویی «غیرعقلانی بودن» رویدادها به گونه‌ای است که کاملاً حقیقی و باورپذیر به نظر برسند که این تولد دوباره و مرگ دوباره از کنش‌هایی است که به این داستان شکل و شمایل سنتی و افسانه‌گونه بخشیده است. «مم به مثابه یک عارف به مدد تزکیه نفس، گاه به درک درجاتی از واقعیت نائل می‌شود و نکته‌هایی از عالم غیب بر وی روشن می‌گردد و آنها را به قالب کلامی درمی‌آورد که بیشتر جنبه‌ی رمزی دارد چنانچه رازها در خواب بر مم مکشوف می‌گردد.

مه‌کشوف بوین ل بهر وی ئه‌سرار
(م، ۲۰۰۸: ۱۸۴)

مکشوف بر او هر آنچه اسرار
(م، ۲۰۱۲: ۲۲۴)

مه‌شهوود بوین ل قه‌لبی ئه‌نوار

مشهوود بر او هزار انوار

۵-۱-۲-۲- غافل‌گیری و شوک ناگهانی

اشتیاق رهیابی به بارگاه فنای حق در حق و آگاهی از رمز و راز عشق طاقت مم را طاق می‌کند و او که این سفر جان و روحانی را نه به پای جسم که به طی روح و دل پیموده است، فنا را بهترین و امن‌ترین جایگاهها برمی‌گزیند تا عشق را به کمال رساند، از این رو، پادشاهی امیر «زین‌الدین» را مجازی می‌خواند و آرزو می‌کند که زود این جهان را برای همیشه ترک گوید و به نزد خدای مهربان باز گردد. و ممانعت مم از موافقت زین‌الدین مینی بر ازدواج او با زین نقطه‌ای از شوک ناگهانی و غافل‌گیری خاصی برای روبرو شدن شخصیت‌های داستان و خوانندگان داستان می‌شود. چون به چنان تکاملی دست یافته که این جهان زودگذر را پست‌تر از آن ببیند که در آن ازدواج بکند؛ لذا وصالشان را به سرای باقی می‌برد و تا مقام فنا پیش می‌رود (شکری، ۲۰۱۵: ۱۰۱):

په‌روازکر و گه‌هیشته ذیل ععرش
(م، ۲۰۱۲: ۲۸۱)

پرواز بکرد و رفت تا به ععرش
(م، ۲۰۱۲: ۲۸۱)

شه‌هباز ژ قه‌یدیئ مه‌رکه‌زا فعرش

شهباز ز قید مرکز فرش

۵-۱-۲-۲- نمادپردازی

یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در ژانر رئالیسم جادویی، نمادپردازی است. نمادپردازی به عنوان یکی از عناصر داستانی به سبک رئالیسم جادویی در مثنوی مم و زین به چشم می‌خورد که در این قسمت به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۵-۱-۲-۱- نماد آتش

آتش، یکی از نمادهای طبیعی است که سابقه‌ای اسطوره‌ای در ذهن انسان دارد و مهم‌ترین نقش را در اساطیر و فرهنگ ملل‌ها داشته است که در حماسه «مم و زین» تداوم این نقش را شاهد و خویشکاری‌های دوگانه و متضاد آتش را می‌بینیم. در روایت «مم و زین»، آتش به عنوان نماد خیر، نقش عملی والایی را در تقویت نیروی خیر در برابر نیروی شر ایفا می‌کند. (شکری، ۲۰۱۶: ۱۳۲). چنانچه «در بین پدیده‌ها تنها آتش است که می‌تواند به وضوح دو ارزش متضاد را در خود بگنجاند؛ خیر و شر» (باشلار، ۱۳۷۸: ۲۳) این نقل قول زیبا به دوگانگی شگفت‌آور آتش اشاره دارد که می‌تواند همزمان ارزشی مثبت و یا منفی را به خود بگیرد. در روایت «مم و زین» آتش در نقطه عطف دو مقوله مرگ و زندگی قرار دارد. این وضعیت استقرار مطمئناً از قابلیت متناقض‌نشأت می‌گیرد و به عنوان عاملی است که می‌تواند سرآغاز زندگی باشد یا از آن بکاهد، اما آتش با همه نیروی ویرانگرش در روایت مم و زین، بیانگر مقوله زندگی و لطافت می‌باشد که اوج شگفتگی نمادینگی آتش، صحنه چشمگیری از دوست صمیمی‌اش، تاج

الدین، است وی با با سوزاندن خان خود با بهره‌گیری از عنصر آتش، فداکاری خالصانه‌اش را در برابر «مم» و «زین» در معرض نمایش قرار می‌دهد که عملکرد وی نتیجه ماهیت پارادوکسیکال و اشتغال بر مفاهیم متضاد وحدت یافته است که باعث نجات بخشی «مم» و «زین» می‌شود و احمد خانی با این بیت زیبا، کلام خود را به بهترین نحو تداعی می‌کند^(۲) (شکری، ۲۰۱۶: ۱۳۲):

خهل فه دکوژت ئاگری ب ئافئ	ئه ز دئ فه کوژم ب ئاگر ئافئ
گر خلق کشند به آب آتش	من می کشم آب خود به آتش
(م، ۲۰۱۲: ۱۹۴)	(م، ۲۰۰۸: ۱۷۰)

البته برجسته ترین ویژگی در رئالیسم جادویی حضور عناصر فراطبیعی در روایت مم و زین است. به نظر نگارنده این عنصر معمولاً با نوعی بزرگنمایی شناخته می‌شود و هدف نه تنها تأثیرگذاری بیش تر از رهگذر برانگیختن تخیل خواننده، بلکه برجسته سازی یک نکته مهم اجتماعی است.

۵-۱-۲-۲-۲- نماد درخت

درخت از جمله سمبل‌هایی است که در روایت «مم و زین» مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از درخت و ارزش‌های نمادین آن در حوزه قصه‌های پریان به طور عام و در داستان «مم و زین» به طور خاص آنچنان جالب است که رویکردی کاملاً اساطیری و رازآلود یافته و جلوه‌های کهن نمونه‌ای خود را نشان می‌دهد (شکری، ۲۰۱۶: ۱۳۱). درخت سرو، مانند دیگر درختان همیشه بهار، نماد جاودانگی یعنی حیات پس از مرگ است (هال، ۱۳۸۰: ۲۹۳). رویش سرو از مزار آنها دارای پیامی نمادین از سوی طبیعت برای قهرمانان است، زیرا در این مسیر هر دوی آنها، از نیروهای مادی و زیستی جهان می‌میرند اما درحالی‌که با نیروی روان و قدرت خویشتن خویش جاودانه می‌گردند (همان، ۲۰۱۶: ۱۳۲-۱۳۱):

یه‌عنی کول سهر مه‌مئ و زینئ	شین بو ژ زیرا عه‌تا ئه‌ئینی
رسکین دوو عه‌دهد نیهالی سهرکه‌ش	رلیوون ب هه‌وا وه هه‌ردوو سهرخو‌ه‌ش
یهک سهروئ سهری یو یهک صنه‌وه‌به‌ر	سهر سه‌بز و له‌تیف و سایه گوسته‌ر
(م، ۲۰۰۸: ۲۳۴)	(م، ۲۰۰۸: ۲۳۴)
یعنی که به مرقد مم و زین	روئید ز عشق نهال زرین
رنگین دو عدد نهال زیبا	برخاست به هوای عشق رعنا
یک سرو سهی و یک صنوبر	سر سبز و لطیف و سایه گستر
(م، ۲۰۱۲: ۲۹۷)	(م، ۲۰۱۲: ۲۹۷)

در حقیقت یکی از ویژگی‌های مهم داستان‌های رئالیسم جادویی، هویت گردانی یا پیکر گردانی است. پیکر گردانی تغییر شکل، ماهیت، طبیعت و نهاد موجودات حقیقی یا خیالی و به عبارتی دیگر استتال، مسخ و دگردیسی است. رویش سرو از مزار «مم» و رویش خار از مزار «بکر مرگور» به عنوان عنصری جادویی یا خیالی فرض می‌شود که داستان را از دنیای رئالیسم برمی‌کشد و به عرصه شگفت انگیز و محیرالعقول جادو و خیال فرا می‌خواند. هویت گردانی در این اثر تا حد زیادی شبیه به پیکر گردانی در اسطوره‌ها و افسانه‌هاست و از این نظر، می‌تواند عنصری اسطوره‌ای و افسانه‌ای در داستان تلقی شود و صبغه‌های جادویی و خیالی روایت را پررنگ‌تر کند.

۵-۱-۲-۳- نماد انگشتر

باور به قدرت جادو و عناصر جادویی از دیرباز تاکنون در اقوام و ملل مختلف، بخشی از زیربنای باورهای عامه مردم را شکل می‌دهد. در این میان، انگشتری یکی از نمادینه‌هایی است که در جریان روایت «مم و زین» حضور برجسته و چشمگیری در پیشبرد داستان دارد که «بنا بر بسیاری از حکایت و داستان‌ها و افسانه‌ها، انگشتری به عنوان وسیله آشنایی به کار می‌رود و نماد قدرت یا پیوندی است که هیچ چیز نمی‌تواند آن را از هم بگسلد.» (شوالیه، ۱۳۸۳: ۲۳) که نشان این نماد را در روایت «مم و زین» شاهد هستیم. «مم» و «تاج الدین» در روز نوروز، زمانی که به نزد «زین» و «ستی» می‌روند، جهت نشان انگشترهای خود را با یکدیگر عوض می‌کنند و تنها رابطی که عاشقان را به هم متصل نگه می‌دارد و موجب جویایی آنان می‌شود، حلقه‌های عوض شده‌ای می‌باشد که از جانب آنها انجام می‌گیرد که سبب می‌شود تا در نماد قدرت یا پیوند آشنایی تجلی یابد که این نمادینه سرانجام به واسطه دایه صورت می‌پذیرد.

۲-۲-۲- هسته داستان: واقعیت

مبنای روایت «مم و زین» بر پایه واقعیت است. شخصیتی واقعی و تاریخی در زمانی مشخص، همراه با همه رویدادهای که در تاریخ آن سرزمین، در زمانی خاص روی داده است. البته رئالیسم جادویی یک واقعیت عینی، یا آن چیزی است که بتوان نام واقعیت بر آن نهاد و بیشتر صاحب نظران برآنند که امور به ظاهر متناقض در نهایت ترکیبی یک دست و هماهنگ در رئالیسم جادویی به خود می‌گیرند. زیرا رئالیسم جادویی علاوه بر توانایی بسیار در نمایش واقعیت دنیا، در کاربرد شگفتی‌ها و خوارق عادات خلاقیتی ویژه داشته است. «امر محال و ممتنع اگر باور کردنی باشد، بهتر از امر ممکن است که باور کردنی نباشد» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۱۶۶) همچنان که «کاترین بلزی» نیز امکان واقعیت را نه تنها در توانایی نشان دادن دنیا، با که در خلق و ابداع آن می‌داند و همین نگاه ویژه نسبت به ادبیات واقع‌گرا، زمینه را برای ایجاد رئالیسم جادویی فراهم کرده است؛ زیرا رئالیسم جادویی بر شالوده‌ی ارائه واقعیت یا ارائه آنچه تصویری از واقعیت است، قرار گرفته است (صفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۷) که واقع‌گرایان داستان‌ها نیز با جهان واقعی تفاوت‌هایی دارند که آن‌ها را از واقعیت متمایز می‌کند، زیرا که جهان داستان بنا بر نظام نشانه‌ای الگوها، روش‌ها و قواعد روایی، شکل گرفته و به واسطه‌ی نظم درونی خود ادارک می‌شود و همواره بر پایه نوعی گزینش و انتخاب و طرح افکنی و شکل دهی ساخته و ارائه می‌گردد که جهان واقعی فاقد آن است (رضوانیان، ۱۳۸۹: ۵۵). چنانچه در مثنوی «مم و زین» در کنار این تصویر واقعیت و از طرفی تشریح واقعیت و همچنین اجبار و تحمیلی که رئالیسم بر اثر «مم و زین» وارد می‌کند تا به بیان و تحلیل جامعه بپردازد، عناصری بسیار فراتر از واقعیت سر برمی‌آورد که روال عادی رئالیسم را برهم می‌زند و به نوعی آن را گرفتار گره افکنی می‌کند، به گونه‌ای که خواننده در کنار واقعیت و فراواقعیت به او این امکان را می‌دهد تا بتواند خودش را با هنر نویسنده وقف دهد، این هنر همان واقعی جلوه دادن اتفاقات و حوادث فرامنطق، شگفتی ساز، زمینه های سیاسی، به هم خوردن مرز میان واقعیت و خیال، مبالغه، درهم ریختن زمان، رؤیا، اسطوره، خیال و ... است که بدون هیچ تردیدی از جانب مؤلف «مم و زین» ارائه می‌شود. زیرا احمد خانی در این اثر، مشکلات اجتماعی و سیاسی جامعه را خمیرمایه داستانش قرار داده است و زمانی که از حل واقع‌گرایانه ستم‌ها و بی‌عدالت‌هایی که شاهد آنهاست، ناامید می‌شود به راه حل جادویی و خیالی پناه می‌برد. همین امر یعنی «خیال و وهم» پس از عنصر «واقعیت» که شالوده و اساس داستان است، بستری را برای رخداد حوادث و نقش آفرینی شخصیت‌های واقعی و فراواقعی داستان فراهم می‌آورد. البته در طول داستان حوادث جادویی و خیالی چنان با واقعیات عجین می‌شوند که طبیعی و باورپذیر جلوه نموده و هرگز برای خواننده تعجب آور و غیرقابل قبول به نظر نمی‌رسد. به گونه‌ای که احمد خانی نیز هیچ‌گاه در برابر این رخدادهای غیرطبیعی عکس‌العمل نشان نمی‌دهد و با نگاهی بی‌طرفانه به اتفاق‌ها و عدم واکنش و جهت‌گیری یا شرح و توجیه آنها به خوانندگان در باورداشت داستان کمک می‌کند. البته علاوه بر وهم و خیال از عناصر دیگری همچون «دوگانگی»، «اسطوره و نماد»، «تصوف و

صوفی‌گری» و «بی طرفی نویسنده» نیز می‌توان به عنوان دیگر مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در داستان «مم و زین» یاد نمود. البته بر اساس درونمایه اجتماعی و سیاسی داستان و نحوه روایت آن، باید رویکرد انتقادی را نیز بو مؤلفه‌های پیشین افزود که همچون هسته واقعیت و خیال یا وهم، چرخش هنری زمان {روایت}، روایات یا پیرنگ‌های پیچیده یا حتی بسیار پیچ در پیچ، کاربرد متنوع رؤیاها، افسانه‌ها و قصه‌های پریان (در بافت داستان) و توصیف‌های اکسپرسیونیستی و سورئالیستی «کادن، ۱۹۹۲: ۵۲۲» که با این ویژگی‌ها متناسب با اثر مورد بررسی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۲-۳- عناصر ساختاری و فنی داستان

مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری و فنی داستان‌هایی که به سبک رئالیسم جادویی نگاشته می‌شود، عبارتند از: «درهم- آمیختگی یا مجاورت واقعیت و خیال یا وهم، چرخش هنری زمان {روایت}، روایات یا پیرنگ‌های پیچیده یا حتی بسیار پیچ در پیچ، کاربرد متنوع رؤیاها، افسانه‌ها و قصه‌های پریان (در بافت داستان) و توصیف‌های اکسپرسیونیستی و سورئالیستی» (کادن، ۱۹۹۲: ۵۲۲) که با این ویژگی‌ها متناسب با اثر مورد بررسی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳-۲- درهم‌آمیختگی یا مجاورت واقعیت و خیال یا وهم

آمیختگی خیال و واقعیت در روایت مم و زین برای احمد خانی به عنوان نگارنده این اثر، می‌تواند این امکان را برای او فراهم آورد که ابعاد معنوی را با آسودگی بیشتر به تصویر بکشد. وی توانسته است واقعیت را با اسطوره پیوند دهد و با وارد کردن عناصر جادویی، اثری در حوزه رئالیسم جادویی خلق کند. جریان روایت «مم و زین» با گذر از مرزهای واقعیت، ابعادی از دنیای فراطبیعی را به تسخیر می‌آورد. در میان واقعیت و رویا شناور می‌شود و این مسیر را به تناوب طی می‌کند، به بیانی ساده‌تر می‌توان گفت که در مثنوی مم و زین نمونه‌هایی از حوادث شگفت‌انگیز و اعمال خارق‌عادت روی می‌دهد. خانی در ترکیب داستان خود از رنگ‌های ملایمی برای طراحی حوادث خیالی بهره می‌گیرد تا زمینه واقعی داستان، پیوسته به شکل داستان خود از رنگ‌های ملایمی برای طراحی حوادث خیالی بهره می‌گیرد تا زمینه واقعی داستان، پیوسته به شکل پرنگ‌تری در برابر دیدگان مخاطب خودنمایی کند. کنش‌های جادویی از جمله: پرواز مم به عالم بالا، برگشت مم از عالم بالا به عالم پایین، دوباره زنده شدن مم، رسیدن دو نور وجودی مم و زین در زندان، مرگ ارادی، سخن گفتن با بلبل و ... همگی نمونه‌هایی هستند از تجربه‌های عرفانی در پیوند با جهان درونی و دست نیافتنی و رؤیاگونه و در عین حال خواستنی و دوست داشتنی که در متن، واقعیت عینی یافته‌اند که این کنش‌ها و رفتارها را در متون دارای سبک رئالیسم جادویی از جمله مارکز و بورخس، می‌توان به فراوانی یافت. عناصر فراطبیعی به کار بسته شده در مثنوی مم و زین، طیف‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد. از اسطوره‌ها و قصه‌های پریان گرفته تا سحر و جادو و آداب و مناسک مذهبی و ایدئولوژیک و حتی جهل و خرافه. همانگونه که رئالیسم جادویی واقعیتی است که به دست خیال بازآفرینی می‌شود.

البته نکته‌ای که درخور توجه است: از منظر سبک‌شناسیک، در شیوه رئالیسم جادویی نویسنده عناصر خیالی و جادویی را به گونه‌ای بازمی‌نمایاند که گویی واقعی هستند. او برای حوادث جادویی داستان، بافتی رئالیستی فراهم می‌کند (بوورن، ۱۳۹۳: ۴۱) و ترکیبی متناقض از اتحاد امور ناهمگون به دست می‌دهد: یکی نگرشی معقول براساس واقعیت پایه‌ریزی شده و دیگری پذیرش مافوق طبیعی به عنوان واقعیتی معمول (نیکوبخت و رامین نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۰). چنانچه احمد خانی واقعیت را با توصیف اشیاء وقایع و رفتار اسرارآمیز ولی به ظاهر واقعی آدمها آشکار می‌کند. وی آدم‌های نویسنده را تجزیه و تحلیل نمی‌کند و این افراد از وقایع غیرعادی که در داستان می‌گذرد مبهور یا متعجب نمی‌شوند. خانی واقعیات روزمره، واقعیات تاریخی، اعتقادات مردمی زمان گذشته، حال و آینده را به هم می‌آمیزد تا تصویری چندبعدی از واقعیت به دست بدهد. وی از طرفی واقعیت را بازگو می‌کند و از طرفی دیگر، عناصر خیالی را در کنار عنصر غیر واقعی می‌نشانند تا خواننده این عناصر را عناصری خیالی یا خرافی تلقی نکند. او درباره درستی و نادرستی وقایع اظهارنظر نمی‌کند و همین باعث می‌شود که خواننده احساس کند نویسنده و آدمهایش به آنچه گفته

می‌شود اعتقاد دارند. زیرا راوی در ادامه داستان خویش در بیت زیر به این وحدت عالم عاشقانه در عالم عرفان اشاره می‌کند و تبیین این یگانگی را اینگونه به زیبایی به نمایش می‌گذارد و در سایه‌ی این نگاه صوفیانه و عاشقانه است که وی به نفی و اثبات می‌پردازد:

دو و ششمس و قه‌مه‌ر کو موتته‌صل بوون ده‌ر حال ب پیکفه موضمه‌حل بوون

(م، ۲۰۰۸: ۲۸۴)

چون شمس و قمر به هم رسیدند

(م، ۲۰۱۲: ۲۱۴)

در حقیقت احمدخانی، با ابراز داشتن این بیت و در نظر داشتن از این قضیه از جریان داستان، می‌خواهد جهانی را نمایش دهد که اعضای آن به سوی کمال بی‌نهایت، در حرکت هستند. در ترسیم‌های او همه موجودات در چرخه‌ی هستی رو به سمتی واحد دارند و در پی مقصد یگانه، پیش می‌روند. از این رو، خانی نظریه توحید وجودی را به عنوان مرتبه‌ای عالی از توحید مطرح می‌کند و حقیقت وجود را به حق تعالی منحصر می‌دهد و همه ذوات یا نمودهای ذاتی را فانی و هالک برمی‌شمارد و خود را از میان برمی‌دارد.

۲-۳-۲-۲- روایت و پیرنگ پیچیده

در روایت داستان‌های رئالیسم جادویی معمولا اثر و علت روی دادها و حوادث به هم می‌ریزد و پیرنگ داستان پیچیدگی‌هایی دارد اما در روایت مم و زین پیرنگ داستان نیز از این ویژگی برخوردار است که دارای طرح پیچیده‌ای است. یکی از این پیچیدگی‌ها دوگانگی و تضاد موجود در روایت است. خانی صحنه‌های ناهمگون را در قالب تقابل واقعی و خیالی و طبیعی و مافوق طبیعی به طور درهم تنیده و پیوند خورده در اثر گرانشگش می‌گنجاند که این درهم تنیدگی به اندازه‌ای است که نه در قلمرو واقعیت و تجربه جای می‌گیرند و نه در حیطه خیال و وهم بلکه شخصیت و خصوصیتی مستقل از آن دو می‌باشد. در روایت مم و زین گره‌گشایی که پایان یا بخشی از پایان داستان محسوب می‌شود، برخلاف انتظار خواننده به طول می‌انجامد، شاعر داستان را از سطح حوادث عینی و واقعی به سطح حوادث روحانی و نفسانی و سرنوشت روح منتقل می‌کند و آن را رمز احوال خلق می‌سازد و معنایی عرفانی بدان می‌بخشد. زین بار اول می‌میرد و همه در آن شب تا سحر بر بالین او می‌گیرند؛ و در همان لحظه مم نیز در زندان در حالت کما یا مرگ به سر می‌برد. زندانیان در حالت بیهوشی یا مرگ مم در زندان، شاهد رسیدن دو نور به هم بوده‌اند که این دو نور نشانگر وصال ارواح مم و زین در عالم روحانی و بیانگر عشقی حقیقی است. اما در ادامه داستان، هنگامی که صبح هنگام خبر مرگ مم را می‌آورند، زین به اراده‌ی خود دوباره زنده می‌شود و به زندان به قصد دیدار مم می‌رود و مم را هم دوباره زنده می‌کند؛ ولی مم می‌خواهد دوباره جان به افلاک برد؛ این است که به اراده‌ی خود دوباره جان می‌سپارد. با این تفسیر داستان مم و زین از عینیت و واقعیت اساطیری خود تهی می‌گردد و مفهومی معنوی و روحانی، جایگزین آن می‌گردد و سرنوشت روح یا نفس ناطق انسانی را پس از هبوط از عالم مجرد و تعلق به عالم ملک و ماده و تن خاکی نشان می‌دهد. از طرفی هم «منطق داستان در روند رویدادهای آن شکل می‌گیرد و به چونی قهرمان آن پیوسته است. وقتی قهرمانان داستان طبیعی باشند، منطق حاکم بر داستان نیز طبیعی خواهد بود. وقتی قهرمانان مابعد الطبیعی، و کردارهای آنان نیز چنین باشد به ناگزیر منطقی که بر کل آن فرمان می‌راند مابعدالطبیعی خواهد بود.» (سرامی، ۱۳۶۸: ۸۹۷) در داستان مم و زین، منطق طبیعی و منطق مابعدالطبیعی در هم آمیخته است. این از آن روست که هم قهرمانان داستان‌های مم و زین و هم کردارهایی که از آنان سر می‌زند دوگانه‌اند.

۲-۳-۲-۲- چرخش هنری زمان داستان

یکی دیگر از عناصر داستان‌های به سبک رئالیسم جادویی، بازی با زمان می‌باشد که البته در روایت «مم و زین» مورد استفاده قرار گرفته است. «نویسنده به ترفندهای متعددی برای استیلای زمان و اطاعت آن و تاثیر بخشیدن آن،

معاصر و شامل بودن آن، که یکی از ویژگی های قصه مدرن است، چنگ می زند. بدین ترتیب او آگاهی دادن و مقارنت حوادث مشابه و خلاصه کردن آن ها و بازگشت به گذشته را به خدمت می گیرد، همه این ها برای آفرینش روح معاصر بین حوادث و اطاعت زمان است. این ترفندها بین همه نویسندگان معاصر از جویس، پروست و فاکنر گرفته تا دیگران مشترک است» (مینتا، ۱۳۸۷: ۱۰۵). با این تفاوت که برخی از پژوهشگران معتقدند که در داستان هایی که به سبک رئالیسم جادویی نوشته شده است، زمان به صورت خطی و نجومی نیست و زمان تقویمی در این نوع داستان ها به هم می ریزد. در «صد سال تنهایی» گابریل گارسیا مارکز زمان در ذهن شخصیت از ماقبل تاریخ تا زمان حال جریان دارد (مارکز، ۱۳۵۷: ۱۱). «مارکز زمان ها را به هم ریخته، از گذشته های دور به گذشته های نزدیک و از گذشته های نزدیک به حال و از حال به زمان های بی نشان حرکت می کند و نظم و ترتیب زمانی حوادث را به هم زده است» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۴۷۶). و همچنین در داستان های بورخسنیز هم زمان گذشته و حال در کنار هم قرار دارد (فرزاد، ۱۳۹۱: ۱۳۱) و در روایت «مم و زین» زمان در ذهن شخصیت از ماقبل تاریخ تا زمان حال جریان دارد و از حال به زمان های بی نشان حرکت می کند و نظم و ترتیب زمانی حوادث را به هم زده است برای نمونه: رفتن به عالم معنا و ملاقات و رسیدن شخصیت مم به حضور خداوند که در این راستا نویسنده با بی اعتبارکردن زمان، تمایز میان اکنون و آینده را از میان برمی دارد و می کوشد با کاستن از سیطره زمان، مفهوم انتظار برای رسیدن آینده را بی معنی و بی اعتبار کند. زمان در این روایت، نه به عنوان پدیده ای آفاقی، بلکه ادراکی است که به تجربه درونی و روحی طرف مرتبط می شود. به گونه ای که زمان واقعی و جادویی برای عارف درهم می آمیزد و او همچون واسطه ای میان جهان واقعی و عالم خیال، با رجوع به اعماق تجربه های درونی خود از آینده خبر می دهد. همچنانکه داستان رئالیست جادویی در یک بازه زمانی مشخص حرکت نمی کند بلکه شخصیت داستان ممکن است ناگهان در گذشته ای دور ظاهر شود و یا اینکه مکان رویداد تغییر کند و مکان ثابتی نباشد. با این وجود، راوی این خط سیر موازی را شکسته و به اول آن خط بازمی گردد، یا این که گاه روایت را از آخر شروع کرده و به سمت اول خط می آید، یا این که این خط سیر را در جاهای مختلف شکسته و از جای دیگری شروع می کند؛ اما به هر حال برای شکل گیری روایت عنصر زمان و پیوند زمانی ضروری است.

۲-۳-۳- توصیف های اکسپرسیونیستی و سورئالیستی

اکسپرسیونیسم شکلی اغراق شده در بازگویی مفاهیم تخیلی، فرازمینی و دور از دسترس می باشد. این گونه رئالیسم جادویی موضوع واقعی هم چون امپرسیونیسم را به تصویر می کشد و مفاهیم تازه و دگرگون شده ای مانند اکسپرسیونیسم را به آنها می بخشد و در نهایت با ادغام این دو به هنری پسااکسپرسیونیسم تبدیل می شود. در آثار سبک رئالیسم جادویی هیچ چیز قطعی و ثابت نیست و رویدادها، سیر منطقی زنجیرواری ندارند و هرگز پاسخی قطعی و یکسان صادر نمی کنند. در اسطوره ها شخصیت ها همیشه به دنبال معنا و علتی برای دنیایی هستند که در آن زندگی می کنند ولی هیچ گاه آن را نمی یابند. روش تازه تفکر رئالیسم جادویی تاثیرپذیر از اندیشه اساطیری بود که منجر به تغییر دیدگاه و جهان بینی خود نسبت به هستی بشر شد. «با توجه به روایت «مم و زین»، خلاقیت "مم" را میتوان در شیوه ادراک و نگرش او نسبت به هستی و خالق هستی ردیابی کرد حالتی که در دل او پدیدار شده تا او را به جستجوی معرفت و کندکاوی در کار حقیقت وادارد.

ئه و خه ط هه می بوینه مونه ققه ط
بیططول دطول و عه رض و عومقان
هیژا تو دبی چرا دنالی
قی حالی دقئ مه حالئ قاللا
(م، ۲۰۰۸: ۸۱)

آن خط ها شدند همه منقط

ئه ف جیسم ل من بوویه موخه طه ط
تهئسیر وه رهنگه عیشق و وه مقان
یهک نوقطه نه هن ژ دهردی خالی
دل بوویه مه حالئ عشق و حالا

این جسم شده ز من مخلط

برنده و تیز و آتشین است
 پرسى تو ز من چرا مى نالى؟
 پر گشته ز دوست کلبه ما
 (م ۲۰۱۲: ۶۲)

تأثیر محبت این چنین است
 سر سوزنى نیست ز درد خالى
 دل گشته مکان عشق حالا

و «چنان است که گویی این نوع خاص از خلاقیت که تجلی شخصیت سالم است، به دنیای خارج فراکنده می‌شود» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۳۸). چنانچه با تأمل در جریان روایت؛ "مم" از دنیای ملموس بیرون و به مرکز مینوی جهان، که محدوده تابش نیروهای قدسی است، متصل می‌شود و به بُعد درونی شخصیت "مم" شکل عینی و مجسم می‌بخشد (شکری، ۲۰۱۸: ۷۷۲) که یکی از قدرتهای نویسنده‌گی خانی ایجاد همین آتمسفر و فضا و رنگ برای داستان‌ش است که اگرچه مبالغه آمیز جلوه می‌کند اما بی نظیر است. زیرا این فضا جنبیه‌های رمز و رازگونه و نمادین به خود می‌گیرد که ممکن است در زندگی واقعی امکان وقوع و خودنمایی داشته باشد^(۱):

ئهو ذریره گی‌هانه ئافتابى
 گه‌پریان ب ذاتى ذرات
 روحاوى ب نوورئ حهق موقه‌بیه‌س
 (م، ۲۰۰۸: ۲۰۶)

فیلج‌ومله ژ مه‌رکه‌زا تورابى
 وان رئ کو برن ب جانبى ذات باقى
 قه‌لبى و بیه وادیا موقه‌ده‌س

آن ذره رسید به آفتابش
 جاودانه شدند به ذات ذرات
 با نور خدا دلش عجین شد
 (م، ۲۰۱۲: ۲۵۷)

دیدم که ز مرکز ترابش
 بردند چو ره به جانب ذات
 وادی مقدس و امین شد

البته شایان عنایت است که روایت مم و زین شکل و طرحی رسمی و قراردادی ندارد. نویسنده زبان افسانه را به کار می‌گیرد. خانی در روایت خویش از ویژگی‌های اسطوره (مم‌آلان) بهره می‌گیرد و روایتش را با تهرنگی از توضیحات اکسپرسیونیستی و سوررئالیستی روایت می‌کند. ساختار این روایت با هاله‌ای از فضای غبارآلود و ابهام‌انگیز ترسیم شده است. ساختار روایت مم و زین به دلیل گرایش آن به عقاید خرافی، رویدادهای اساطیری، تخیل و رؤیا، ژانری مردم‌پسند است. که در این داستان همانطور که بدان اشاره شده است وقایع غیرحقیقی اما باورپذیر و قابل قبول رئالیسم جادویی آن را همچون اسطوره‌ها از محبوبیتی فوق‌العاده در میان مردم برخوردار ساخته است و از آنجایی که فضای کلی حاکم بر اثر، فضایی تراژدی و غمناک است که رئالیسم این روایت را رمزآميز می‌سازد.

نمودار(۱): عناصر رئالیسم جادویی در روایت مم و زین

عناصر مربوط به مضمون و درونمایه	
در روایت مم و زین فضای وهم آلود برای خواننده دنیایی فراتر از واقعیت می‌سازد که بدون دخالت راوی، مخاطب خواه ناخواه امور مافوق طبیعی را باور می‌کند.	خیال یا وهم
واقعیت و فراواقعیت در کنار هم و در تلفیق با هم در روایت مم و زین حضور دارند به گونه‌ای که تفکیک آن دو از هم بسیار مشکل است.	عقاید و باورهای شگفت‌انگیز
خواب دیدن که خود تجربه‌ی رازآمیز دیگری است، مم را به جهانی اسرارآمیز می‌برد. مرگ و تولد مجدد	رؤیا، افسانه‌ها و قصه‌های پریان
نحوه مرگ این دو دل‌داده علاوه بر آن که رویکردی عرفانی دارد، ماهیتی باورنکردنی و	دهشت و توجیه

خارق‌العاده را هم به این داستان بخشیده است.	ناپذیری برخی وقایع
ممانعت مم از موافقت زین الدین مینی بر ازدواج او با زین نقطه ای از شوک ناگهانی و غافل گیری خاصی برای روبرو شدن شخصیت های داستان و خوانندگان داستان می‌شود.	غافل گیری و شوک ناگهانی
	
هسته داستان: واقعیت	
روایت مم و زین بر شالوده‌ی ارائه‌ی واقعیت یا ارائه‌ی آنچه تصویری از واقعیت است، قرار گرفته است، این هنر همان واقعی جلوه دادن اتفاقات و حوادث فرامنطق، شگفتی ساز، زمینه های سیاسی، به هم خوردن مرز میان واقعیت و خیال، مبالغه، درهم ریختن زمان، رویا، اسطوره، خیالو ... است که بدون هیچ تردیدی از جانب مؤلف مم و زین ارائه می شود.	
	
عناصر ساختاری و فنی داستان	
روایت مم و زین واقعیتی است که به دست خیال‌باز آفرینی می شود. عناصر فراواقعی به کار بسته شده در مثنوی مم و زین، طیف‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد. از اسطوره ها و قصه های پریان گرفته تا سحر و جادو و آداب و مناسک مذهبی و ایدئولوژیک ...	درهم آمیختگی یا مجاورت واقعیت و خیال یا وهم
خانی صحنه‌های ناهمگون را در قالب تقابل واقعی و خیالی و طبیعی و مافوق طبیعی به طور درهم تنیده و پیوند خورده در اثر گرانسنگش می‌گنجانند که این درهم تنیدگی به اندازه‌ای است که نه در قلمرو واقعیت و تجربه جای می‌گیرند	روایت و پیرنگ پیچیده
در روایت مم و زین زمان در ذهن شخصیت از ماقبل تاریخ تا زمان حال جریان دارد و از حال به زمان‌های بی نشان حرکت می‌کند و نظم و ترتیب زمانی حوادث را به هم زده است.	چرخش هنری زمان داستان
روایت از ویژگی های اسطوره مم آلان بهره و با ته‌رنگی از توضیحات اکسپرسیونیستی و سوررئالیستی روایت شده است. ساختار این روایت با هاله‌ای از فضای غبارآلود و ابهام انگیز ترسیم شده است.	توصیف‌های اکسپرسیونیستی و سوررئالیستی

نتایج و یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل آمده از این پژوهش نشان داد که:

۱) مثنوی مم و زین از نظر خاستگاه فرهنگی و مؤلفه‌های مشترکی همچون نمود باورها و عقاید شگفت، استفاده از نمادها و تقابل آمیختگی سنت و مدرنیته در محدوده‌ی رئالیسم جادویی قرار می‌گیرد. خانی با کمک ذهن سرشار و نبوغ هنری خود توانسته است با کمک قدرت خیال خود و با قراردادن عناصر جادویی در متن اثر خویش، از سویی، تأثیر آن را بر مخاطب بیشتر کند و از این راه مقام مم را از عالم ناسوت برکند و تا عالم ملکوت برکشد و رسیدن به جایگاه ایشان را برای رقیبان و مدعیان دست نیافتنی کند.

۲) در روایت مم و زین همانند سبک رئالیسم جادویی واقعیت و فراواقعیت در کنار هم و در تلفیق با هم حضور دارند به گونه ای که تفکیک آن دو از هم بسیار مشکل است. این ویژگی در مثنوی مم و زین برجستگی خاصی دارد و تعیین رمز میان واقعیت و تخیل در این روایت، بستگی به ذهنیت خواننده دارد.

۳) احمد خانی در روایت خویش از ویژگی های اسطوره «مم آلان» بهره می‌گیرد و روایتش را با تهرنگی از توضیحات اکسپرسیونیستی و سوررئالیستی روایت می‌کند. احمد خانی واقعیت را با توصیف اشیاء وقایع و رفتار اسرارآمیز ولی به ظاهر واقعی آدم‌ها آشکار می‌کند. وی آدم‌های نویسنده را تجزیه و تحلیل نمی‌کند و این افراد از وقایع غیرعادی که در داستان می‌گذرد مبهور یا متعجب نمی‌شوند. خانی واقعیات روزمره، واقعیات تاریخی، اعتقادات مردمی، زمان گذشته، حال و آینده را به هم می‌آمیزد تا تصویری چندبعدی از واقعیت به دست بدهد. وی از طرفی واقعیت را بازگو می‌کند و از طرفی دیگر، عناصر خیالی را در کنار عنصر غیر واقعی می‌نشانند تا خواننده این عناصر را عناصری خیالی یا خرافی تلقی نکند. او دربارهٔ درستی و نادرستی وقایع اظهارنظر نمی‌کند و همین باعث می‌شود که خواننده احساس کند نویسنده و خوانندگان به آنچه گفته می‌شود اعتقاد دارند.

۴) رئالیسم جادویی به مثابهٔ شیوه‌ای برای نقل حکایت، مبتنی بر نوعی نگرش به واقعیت است. این شیوه منحصر به آمریکای لاتین نیست بلکه در روایت مم و زین نیز روای از رئالیسم جادویی بهره گرفته است با این تفاوت که در ادبیات آمریکای لاتین، آنچه دستمایه نویسنده برای خلق جادوست ادراک و مشاهدات و اعتقادات و تجارب مردم است اما در مثنوی «مم و زین» به حکم ساختار عرفانی بودن آن، آنچه دستمایه نویسنده برای خلق جادوست ادراک و مشاهدات و اعتقادات و تجارب عرفا و اولیاء است که «مم» را به مرتبه عرفا و اولیاء الله ارتقا می‌دهد تا بتواند رازها را که برگرفته از حقایق یا نشانه‌هایی از جهان غیب است، گزارش کند.

۵) در روایت «مم و زین» همانطور که بدان اشاره شد، نمونه‌هایی از حوادث شگفت انگیز و اعمال خارق عادت روی می‌دهد. کنش های جادویی از جمله: پرواز مم به عالم بالا، برگشت مم از عالم بالا به عالم پایین، دوباره زنده شدن مم، رسیدن دو نور وجودی مم و زین در زندان، مرگ ارادی، سخن گفتن با بلبل و ... همگی نمونه‌هایی هستند از تجربه‌های عرفانی در پیوند با جهان درونی و دست نیافتنی و رؤیگونه و در عین حال خواستنی و دوست داشتنی که در متن، واقعیت عینی یافته‌اند که این کنش‌ها و رفتارها را در متون دارای سبک رئالیسم جادویی از جمله مارکز و بورخس، می‌توان به فراوانی یافت.

۶) یکی از ویژگی های که در روایت مم و زین به داستانهای رئالیسم جادویی گرایش دارد شکستن زمان مکان و هویت می باشد که به این مفهوم است که این نوع داستان عقاید مورد قبول در مورد زمان را بر هم می زند و دریک بازه زمانی مشخص حرکت نمی کند بلکه شخصیت داستان دو مرتبه می میرد و به یا عنوان مثال مم ناگهان در آینده‌ای دور ظاهر می‌شود و به سفر عالم معنا یعنی ملاقات خداوند متعال می رود.

پی‌نوشت‌ها

۱) با تامل در بیت بالا از احمد خانی، دربارهٔ موقعیت نمادین آتش که از یک سو باعث نجات یافتن مم و زین می شود و از سوی دیگر عنصر آتش را بر عنصر آب ترجیح می دهد، دال بر این باور آیین زرتشت نیز است که « برای آتش نقش منجی و مبارزی را قائل می شود که توانایی‌های بالقوه ویرانگرش در برابر شر و تجلی‌های زمینی آن قرار می گیرد.» (اسفندی، ۱۳۸۶: ۹) از اینرو، برداشت آتش از نگاه خانی در نمایان کردن تقابل در ساختار متناقض آتش در چارچوب آیین زرتشت است

۲) در واقع حقیقت ماندنی داستان مم و زین گاهی دچار اختلال و آشفتگی می شود. این تمایل خانی برای آفریدن چنین فضاهای وهم آلود و مرموز به این دلیل است که احمد خان عارف است و از آگاهی‌ها و دانش های عرفانی از آن استفاده می کند.

کتابنامه

- احمدی، بابک (۱۳۷۶)، چهار گزارش از تذکره الاولیا عطار، تهران: مرکز.
- ارسطو (۱۳۷۱). رتوریک، فن خطابه، ترجمه پرخیده ملکی، تهران: اقبال.
- اسفندی، اسفندیاری (۱۳۸۶). تشریح دوگانگی نماد آتش در آیین زرتشتی، پژوهش زبان‌های خارجی. شماره ۳۸.
- آتش سودا، محمدعلی و احمد توللی (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی رمان صدسال تنهایی و رمان عزاداران بیل، مطالعات ادبیات تطبیقی، س ۵، ش ۱۶، صص ۱۱-۳۴.
- باشلار، گاستون (۱۳۷۸) روانکاوی آتش، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس
- بوورز، مگی آن (۱۳۹۳). رئالیسم جادویی، تحت نظر عباس ارض پیما، تهران: نشانه.
- پورخالقی چترودی، مهدخت (۱۳۸۱). درخت شاهنامه (ارزش‌های نمادین درخت در شاهنامه)، مشهد: به نشر
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۸)، بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلامحسین ساعدی، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ش ۶۴، صص ۴۵-۶۴.
- حمیدیان، سعید. (1373). آرمانشهر زیبایی. تهران: نشر قطره
- خانی، احمد. (۲۰۰۸). مم و زین. ترجمه م. هژار. هه‌ولین: ئاراس
- خانی، احمد. (۲۰۱۲). مم و زین. ترجمه د. شیرزاد شفیع بارزانی. چ اول. اربیل: دانشگاه صلاح‌الدین
- خزاعی، علی (۱۳۸۶). رئالیسم جادویی در تذکره الاولیا، نامه فرهنگستان، شماره ۳۵، صص ۶-۲۱.
- دوبوکور، مونیگ. (۱۳۷۶) رمزهای زنده جان. ترجمه جلال ستاری. چ ۲. تهران: مرکز
- رضوانیان، قدسیه (۱۳۸۹). ساختار داستانی حکایت‌های عرفانی، تهران: سخن.
- سرامی، قدمعلی (1368). از رنگ گل تا رنج خار. تهران: علمی و فرهنگی
- سید حسینی، رضا (۱۳۸۹)، مکتب‌های ادبی، جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران: نگاه.
- شکر، جیهاد (۲۰۱۶). آرکی تایپ و نمادینه‌های آن در حماسه مم و زین، گوشتاری زانکوی سه‌لاحدین، به‌رگی 20، ژماره 4 (صص 115-139).
- شکر، جیهاد (۲۰۱۵). سیر سفر مم در حماسه مم و زین براساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل، گوشتاری زانکوی سه‌لاحدین، به‌رگی ۱۹، ژماره ۴، (صص ۸۵-۱۰۶).
- شکر، جیهاد (۲۰۱۸). خودشکوفایی مم در روایت مم و زین بر اساس الگوی انسان‌گرایانه آبراهام مزلو، به‌رگی 6، ژماره 3، گوشتارا زانستین زانکوی زاخو، (صص 755-778).
- شوالیه، ژان و آلن گریبران (۱۳۸۳). فرهنگ نمادها، ج ۲، ترجمه سودابه فضایی، چاپ اول، تهران: جیحون.
- صفری، جهانگیر و دیگران (۱۳۹۰)، پیوند متون عرفانی و رئالیسم جادویی، مطالعات عرفانی، ش ۱۴، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- فارسی، وندی. ب (۱۳۸۴). «نقد فرنگی رئالیسم جادویی». ترجمه رخساره قائم مقامی. فصلنامه سینمایی فارابی، سال ۱۵، شماتره ۲، زمستان، صص ۳۹-۴۹.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۸)، درباره نقد ادبی، تهران: نشره قطره.
- کارپنتیر، آلچو (۱۹۶۴)، آمریکای لاتین، ترجمه قاسم غریقی، بی‌جا: بی نا.
- مارکز، گابریل گارسیا (۱۳۵۷). صد سال تنهایی، ترجمه بهمن فرزانه، تهران: امیر کبیر.
- مزلو، آبراهام (۱۳۷۲)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی
- میرصادقی، جمال و میمنت (۱۳۷۷)، واژه‌نامه هنر چاستان نویسی، تهران: کتاب مهناز.
- مینتا، استفن (۱۳۸۷). ندگینامه، مقد و بررسی آثار گارسی مارکز، ترجمه فروغ پوری‌اوری، چاپ دوم، تهران: روشنگران.
- نیکو بخت، ناصر و مریم رامین نیا (۱۳۸۴)، بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ش ۸، صص ۱۳۹-۱۵۴.
- هاترید، پیر (۱۳۸۵). مکتب‌های ادبی، ترجمه رضا سید حسینی، چاپ چهاردهم، تهران: جهانگیر.
- هال، جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر
- Cuddon, John Anthony (1992). Dictionary of Literary Terms and Literary Theory, Ed Blackwell Puplicshers.

Magical Realism in the Mathnawi of Mem and Zin

Jihad Shukri Rashid

Department of Persian, College of Languages, Salahaddin University – Erbil, Kurdistan Region, Iraq

Jihad.rashid@su.edu.krd

Abstract

The Manasvi of Mam and Zain is one of the stories that is characterized by magical realism, in that amazing events have occurred in this story, and all the unreal and imaginary events in the context of the story appear completely real and natural, in a way that the reader easily accepts. The aim of this research is to re-examine the position of magical realism in the Manasvi of Meme and Zain. Therefore, this research has attempted to examine the most important components of magical realism in the Manasvi of Meme and Zain using a descriptive-analytical method in order to show how Ahmad Khani, by invoking these surreal and unusual characteristics in a story with a completely realistic background, has expressed a novel reading of abstract ideas in an objective and tangible guise. The results of this research indicate that in the Manasvi of Meme and Zain, the components of magical realism have been manifested in various forms, and these components can be analyzed in the form of duality and opposition between the imaginary and real world.

Keywords: Magical Realism, Ahmad Khani, Meme and Zin. Fantasy, Reality. Name of Author.

ریالیزی جادویی له مهسنهوی مه م و زین دا

جیهاد شکرێ رشید

بهشی زمانی فارسی، کۆلیژی زمان، زانکۆی سه‌لاحه‌ددین-هه‌ولێر، هه‌ریمی کوردستان، عێراق

Jihad.rashid@su.edu.krd

په‌خته

مه‌سنه‌وی مه‌م و زین له‌و چیرۆکه‌یه‌یه‌ که‌ سه‌یماکانی ریالیزی جادویی ده‌گریته‌یه‌ خۆی، روداو گه‌لی سه‌ره‌نج راکیش له‌م چیرۆکه‌دا دینه‌ یاراو، وه‌ هه‌موو روداو ده‌کان ناواقعی و خیالین له‌ به‌ستینی چیرۆکه‌که‌دا به‌ شیوه‌یه‌کی ته‌واو سروشتی و راسته‌قینه‌ خۆده‌توینێ به‌ جوریک که‌ خوینهر به‌ ئاسانی وه‌ری ده‌گری، ئامانج له‌م توێژینه‌وه‌یه‌ سه‌ره‌له‌ نوێ خویندنه‌وه‌ی پینگی ریالیزی جادویی له‌ مه‌سنه‌وی مه‌م و زین دا. هه‌ر له‌م رووه‌وه‌ له‌م توێژینه‌وه‌یه‌ هه‌ول دراوه‌ که‌ به‌ رینیازی وه‌سفی شیکاری گرینگترین پینکاته‌کانی ریالیزی له‌ مه‌سنه‌وی مه‌م و زین دا تاوتووی بکریته‌، تا له‌م ریگایه‌وه‌ نیشان بدریت که‌ ئه‌حمه‌دی خانی چۆن به‌ خسته‌رووی ئه‌م سه‌یما واقیعی و داھینه‌رانه‌ی له‌ گیزانه‌وه‌یه‌که‌دا به‌ به‌ستینی ته‌واو ریالیستی خویندنه‌وه‌یه‌کی ئاوا نوێ باوی له‌ هزری ئه‌به‌ستراکت و رووت له‌ قالیکی به‌رجه‌سته‌ به‌ره‌ست هیناوه‌ته‌ ئاراو وه‌ ئه‌نجامی به‌ ده‌ست هاتووه‌کان له‌م توێژینه‌وه‌یه‌ ئه‌وه‌ ده‌خه‌نه‌ روو که‌ له‌ مه‌سنه‌وی مه‌م و زینا به‌ شیوه‌ی جو‌راجو‌ر توخم و پینکینه‌کانی ریالیزی جادویی ده‌رکه‌وتوو وه‌ خویان نواندوو که‌ ئه‌م پینکینه‌ ده‌کرێ له‌ چوارچووه‌ و قالی دووقای و به‌رامبه‌رکی جیهانی خه‌یالی و جیهانی واقیعی شیکاری بکریته‌.

وشه‌ سه‌ره‌کیه‌کان: ریالیزی سیحراوی، ئه‌حمه‌دی خانی، مه‌م و زین، فانتازی، واقیعی.

الواقعية السحرية في مثنوي مم و زین

جیهاد شکرێ رشید

قسم اللغة الفارسية، كلية اللغات، جامعة صلاح الدين – إربيل، إقليم كورستان، العراق

Jihad.rashid@su.edu.krd

المخلص

تعدّ مثنوي «مم و زین» من بين الأعمال السردية التي تنطبق عليها خصائص الواقعية السحرية، إذ تتجلى فيها أحداث خارقة للعادة، وتعرض الوقائع غير الواقعية والخيالية ضمن سياق سردي يجعلها تبدو طبيعية وحقيقية بشكل تام، على نحو يقبله القارئ بسهولة ودون استغراب. يهدف هذا البحث إلى إعادة دراسة موقع الواقعية السحرية في مثنوي «مم و زین». ومن هذا المنطلق، تم اعتماد المنهج الوصفي – التحليلي في تحليل أبرز مكونات الواقعية السحرية داخل هذا العمل الأدبي، للكشف عن الكيفية التي استخدم بها أحمد خاني الخصائص الفوق-واقعية والخارقة للطبيعة، ليقدّم من خلالها تصوراً جديداً للأفكار التجريدية، وذلك في إطار سردي ملموس وواقعي. وتُظهر نتائج هذه الدراسة أنّ مؤلفات الواقعية السحرية قد تمثّلت في المثنوي بأشكال متعددة، ويمكن تحليل هذه العناصر من خلال ثنائية التداخل والتقابل بين العالمين الخيالي والواقعي.

الكلمات المفتاحية: الواقعية السحرية، أحمد خاني، مم و زین، الخيال و الفانتازيا، الواقعي.